

هنر و تمدن ایران در سده هفتم و هشتم هجری



اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- تحولات عناصر معماری سده هفتم و هشتم هجری را بیان کند.
- ۲- آثار شاخص معماری سده هفتم و هشتم را نام ببرد.
- ۳- تزیینات معماری سده هفتم و هشتم را بشناسد.
- ۴- وضعیت نگارگری سده هفتم و هشتم را شرح دهد.
- ۵- ویژگی نگارگری‌های سده هفتم و هشتم را بیان کند.
- ۶- کتاب‌های تصویرسازی شده سده هفتم و هشتم را نام ببرد.

- ۷- ویژگی‌های نگارگری مکتب شیراز را بیان کند.
- ۸- ویژگی‌های مکتب نگارگری جلایری را ذکر کند.
- ۹- وضعیت خوشنویسی سده هفتم و هشتم را بیان کند.
- ۱۰- مراکز سفالگری سده هفتم و هشتم را نام ببرد.
- ۱۱- تحولات پارچه‌بافی در سده هفتم و هشتم را بیان کند.

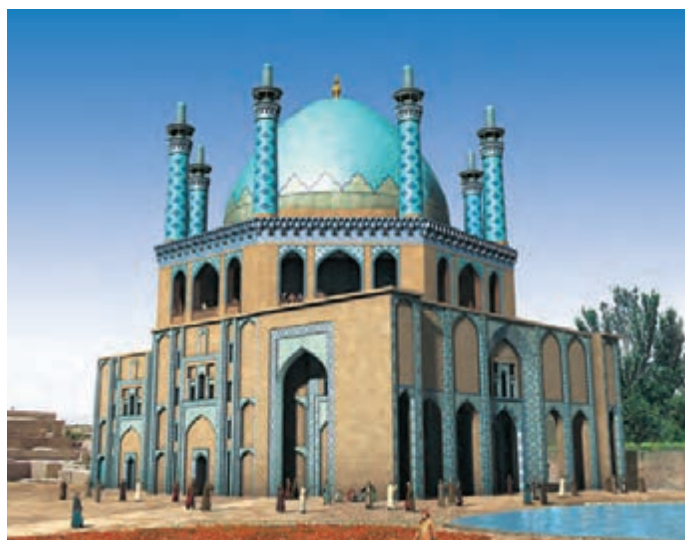
هنر و تمدن ایران در سده هفتم و هشتم هجری

در سده‌های هفتم و هشتم هجری با حملات فراگیر مغول به مرز و بوم ایران برای مدتی اوضاع نابسامانی شکل گرفت. اما با درایت اندیشمندان و سیاستمداران ایرانی و نفوذ آنان به دستگاه حکومت این اقوام وحشی شرایط به گونه دیگری رقم خورد. همین مردمانی که با نگرشی وحشیانه و خونخوار تربیت یافته بودند به فرمانروایان هنردوست تبدیل شدند. از جمله اقدامات مهم فرهنگی در این دوره ربع رشیدی^۱ است. در این دوره شاهد برپایی برخی از عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین بناها و همچنین هنرهای متفاوت هستیم. این دوران زمینه‌ساز حکومت‌های متفاوت مغولی از جمله بر سرکار آمدن ایلخانان، جلایریان، آل مظفر و ... می‌باشد.

در معماری این دوره نیز ساختن آرامگاه‌های بلند و برج مانند برای مشایخ و بزرگان همچون دو سده قبل رواج بسیاری یافت. با این تفاوت که با کاشی لعاب‌دار تزیین می‌شد و بر فراز آنها پوشش گنبدی یا هرمی هشت‌گوش وجود داشت که نمونه دیگر آن را می‌توان در گنبد سلطانیه دید (شکل ۱-۱۰ الف وب).



▲ شکل ۱-۱۰ الف - گنبد سلطانیه، آرامگاه اولجایتو، زنجان



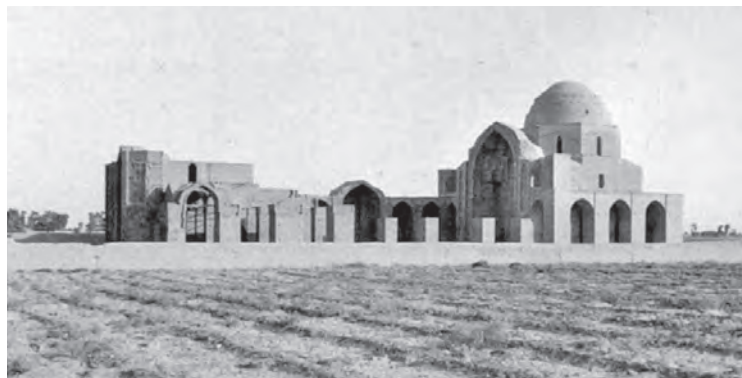
▲ شکل ۱-۱۰ ب - طرح بازسازی شده گنبد سلطانیه

۱- ربع رشیدی: مجموعه بناهای علمی فرهنگی (مسجد، مدرسه، دارالشفاء و کتابخانه) که در اواخر سده هفتم هجری به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تبریز ساخته شد.

مهم‌ترین تحول معماری در این دوره که در برخی منابع آن را به شیوه آذری خوانده‌اند، شامل بلندی بنا، گنبدهای ساق بلند، نقشه هشت ضلعی و گنبد دو پوسته و ایوان‌های باریک و بلند است. همچنین بلندتر شدن سقف اتاق‌ها و ارتفاع مناره‌ها، تزینات بنا با پوشش کاشی، گچ کاری رنگی و مقرنس کاری^۱ است (شکل ۲-۱). شاخص‌ترین اثر معماری این دوره را می‌توان مسجد جامع ورامین (شکل ۳-۱)، مسجد جامع یزد (شکل ۴-۱)، مسجد جامع کرمان (شکل ۵-۱)، آرامگاه بایزید بسطامی (شکل ۶-۱)، آرامگاه شیخ عبدالصمد



▲ شکل ۲-۱- نمای داخلی گنبد سلطانیه، زنجان



▲ شکل ۳-۱- مسجد جامع ورامین



▲ شکل ۶-۱- آرامگاه بایزید بسطامی



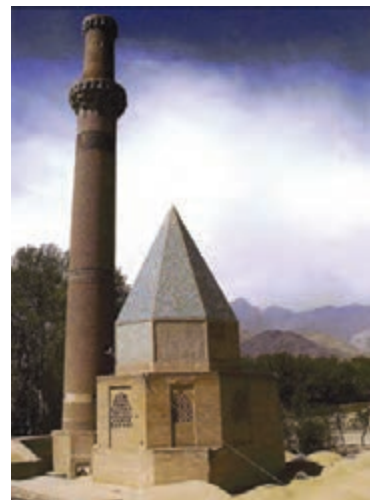
▲ شکل ۵-۱- مسجد جامع کرمان



▲ شکل ۴-۱- مسجد جامع یزد

۱- مقرنس کاری: تزینات پله پله، کنگره‌ای و قرنیزدار در معماری را مقرنس کاری گویند.

(شکل ۷-۱) و بناهای دیگر از جمله رصدخانه مراغه و قصر ایلخانی در تخت سلیمان (شکل ۸-۱) را نام برد. همچنین بارزترین تزینات معماری را می‌توان در محراب‌سازی مسجد جامع اصفهان دید (شکل ۹-۱). اما تحول دیگر در زمینه کاشی معرق است که جایگزین آجرکاری‌ها و تلفیق آن با کاشی بنایی شده است.



▲ شکل ۷-۱- آرامگاه شیخ عبدالصمد، نطنز

▲ شکل ۸-۱- چشم‌انداز کلی، تخت سلیمان، آذربایجان غربی



▲ شکل ۹-۱- محراب مسجد جامع اصفهان

میراث هنری دیگری که در این دوره به حد شکوفایی خود می‌رسد، نگارگری است. در این دوره تحریم نگارگری تا اندازه‌ای شکسته شد و جنبه همگانی‌تری یافت. این زمان با بهره‌گیری از تأثیرات هنری پیشین، نگارگری ناب ایرانی پدید آمد.

هنرمند ایرانی با آگاهی و درک مناسب از تصویرگری توانست تأثیرات هنر خاور دور (چین) مانند دقت در جزئیات، ترسیم کوه به شیوه لایه لایه، ابرهای پیچان، هاشورزنی و ترسیم آب به صورت پولک پولک را با شیوه هنر بیزانسی^۱ یعنی استفاده از رنگ نقره‌ای و حالات چهره اشخاص را ترکیب نموده و با هوشمندی مناسب در هنر خود آورده و به آنها رنگ و بویی ایرانی ببخشد. تمامی این ویژگی‌ها برای کتاب‌هایی که بیانگر روح ایرانی هستند بسیار مناسب به نظر می‌رسید. برجسته‌ترین این آثار، شاهنامه فردوسی و کتب تاریخی است که همت والایی برای مصورسازی آن به کار رفته است (شکل‌های ۱۰-۱۱ و ۱۰-۱۱). در نیمه دوم سده هفتم هجری مرحله انتقالی سنت نگارگری با حضور هنرمندانی که وفادار به سنت ایرانی هستند، با آگاهی از ویژگی‌های هنری سرزمین‌های دیگر شکل گرفت (شکل ۱۰-۱۲). آنها توانستند با غنا بخشیدن به فنون هنری، توانمندی‌هایی در منظره‌سازی و استفاده همزمان از رنگ‌های جسمی و روحی پدید آوردند (شکل ۱۰-۱۳). اما همچنان آثاری نیز با تلفیق سنت‌های تصویری سده‌های چهارم تا ششم هجری و عناصر آسیای میانه در این زمان مشاهده می‌شود.

همزمان با دوران تسلط ایلخانان مغول، نگارگران شیراز توانستند میراث‌دار سنت‌های پیشین هنری ایران در نگارگری باشند. آنها همت بسیاری در تولید آثار



▲ شکل ۱۰-۱۱- برگه از کتاب شاهنامه بزرگ مغول، مکتب تبریز ۱



▲ شکل ۱۰-۱۲- برگه از کتاب منافع الحیوان



▲ شکل ۱۰-۱۱- برگه از کتاب جوامع التواریخ، رشیدالدین فضل‌الله

۱- بیزانس: هنر و معماری سده چهارم تا پانزدهم میلادی در مردم شرقی به هنر بیزانس معروف است.



▲ شکل ۱۳-۱۰ برگي از کتاب کلیله و دمنه

▲ شکل ۱۴-۱۰ برگي از مجموعه شعر مکتب شیراز سال ۸۰۰ هجری

مکتوب و سنت کتابت داشتند و ابداعاتی را در زمینه نقاشی و نگارگری ایجاد کردند. در این مکتب بر انسان تأکید تصویری بسیاری شده است. پیکره‌ها بیش از حد بلند قامت و بی‌تناسب با منظره و معماری کشیده می‌شد، پیرامون وی را نقوش گیاهی بسیاری پر می‌کرد و زمینه افق در بالا به کار می‌رفت. همچنین نوعی هماهنگی خط و رنگ رعایت می‌شد (شکل ۱۴-۱۰).

سنت دیگر نقاشی این دوره تاریخی در مکتب جلایری دیده می‌شود که در آن نوعی تحول پدید آمد و توانست شیوه و الگوی مناسبی را در سنت نگارگری ایجاد کند که تداوم آن را در دوره تیموری می‌توان جستجو کرد. این مکتب میراث‌دار سنت مکتب ایلخانی در تبریز، مکتب شیراز و بغداد بود. همراه با سیر تحول ادبیات فارسی و ظهور سبک عراقی و ادبیات تغزلی نوعی فضای شاعرانه و تصویرسازی خیالی را با هماهنگی میان پیکره و فضای تصویر، تنوع رنگ، ترکیب‌بندی دایره‌وار، تزئینات ماهرانه و تفکیک فضا (همزمانی) پدید آورد. شاخص آثار این دوره را می‌توان در دیوان خواجوی کرمانی و مجموعه همای و همایون و دیوان سلطان احمدجلایر دید که برای اولین بار هنر تشعیر^۱ نیز به عنوان شیوه‌ای در تزئین دیوان اشعار به کار رفته است (شکل‌های ۱۵-۱۰ و ۱۶-۱۰).



▲ شکل ۱۵-۱۰ برگي از کتاب دیوان خواجوی کرمانی

۱- تشعیر: نوعی طراحی، قلم‌گیری و رنگ‌آمیزی محدود با نقوش سنتی که در کتاب‌آرایی به کار می‌رود.

همچنین هنر کتاب آرایی و خوشنویسی در زمینه‌های گسترده‌ای رواج یافت و کتابت را به هنری فاخر مبدل ساخت. این تحول با حضور استادان شش‌گانه خوشنویسی – از شاگردان یاقوت مستعصمی – در سه منطقه مهم فارس، خراسان و آذربایجان شکل می‌گیرد. این خوشنویسان هنر خویش را در کاربردهای مختلف تزئین بناها و کتابت نسخه‌های خطی گسترش دادند (شکل ۱۷-۱۰). همچنین ابداع خط نستعلیق توسط میرعلی تبریزی نیز به دوره جلایریان بازمی‌گردد.



▲ شکل ۱۷-۱۰ برگي از قرآن مجيد



▲ شکل ۱۶-۱۰ تشعير، برگي از كتاب ديوان سلطان احمد جلایر

سفالگری در این دوره نیز مورد توجه بوده است و از مهم‌ترین مراکز تولید سفال کاشان، ری و سلطان‌آباد است. سفالگران کاشانی به دلیل دارا بودن امکانات منطقه‌ای رشد قابل ملاحظه‌ای در سفالگری داشتند. آنها توانستند در این دوره نوشته‌های برجسته‌ای را به نقاشی بیفزایند و فن مشبک‌سازی ظروف سفالین را به کمال برسانند. همچنین در تزئین از طراحی و خطاطی و شیوه نگارگری بهره بردند (شکل ۱۸-۱۰). از مناطق رقیب کاشان بایستی به ری اشاره کرد که غالباً بر روی سفالینه‌ها موضوعاتی از جمله مجالس شکار یا چوگان را بر زمینه سفید یا لاجوردی به همراه نقش ترنج‌های زیبا و پرکار استفاده می‌کردند (شکل ۱۹-۱۰). همزمان شیوه سلطان‌آباد با نوعی ترنج چهارپر که درون آن را با تصاویر بسیار زنده از جمله گوزن و آهو پر می‌کردند به شیوه‌ای خاص و بدیع مبدل شد. در آن طرح شکوفه‌هایی با خط‌های باریک آبی روی زمینه‌های تاریک اجرا می‌شد (شکل ۲۰-۱۰ الف و ب).



▲ شکل ۱۸-۱۰ ظرف سفالین، کاشان



ب



الف



▲ شکل ۱۹-۱۰ ظرف سفالین، سده ۸ هجری، ری

▲ شکل ۲۰-۱۰ ظرف سفالین، دوره ۸ هجری سلطان آباد، اراک

با وجود نمونه‌های اندک آثار فلزی در این دوره از جمله شمعدان‌های فلزی (شکل ۲۱-۱۰) باز هم نمی‌توان روش تولید این هنر در سده‌های هفتم و هشتم هجری را روشن نمود اما در برخی نسخه‌های مصور، ابزارهای فلزی گوناگونی دیده می‌شود.
هنر چوب نیز در این دوره براساس آثار باقیمانده، دارای اهمیت بوده است که از نمونه‌های شاخص آن می‌توان به منبر مسجد جامع نائین (شکل ۲۲-۱۰)، منبر مسجد جامع اصفهان و رحل چوبی اشاره کرد.



▲ شکل ۲۲-۱۰ منبر چوبی مسجد جامع نائین



▲ شکل ۲۱-۱۰ پایه شمعدان فلزی، شیراز

طراحی و بافت پارچه در این دوره به کلی تغییر می‌کند. نقش‌های پیش از اسلام از رواج افتاد و به جای آن رنگ‌های تند و تیره در زمینه پارچه معمول شد و تنها وسیله ایجاد برجستگی و تضاد به کار بردن الیاف فلزی در آنها بود. پارچه‌هایی با نقش راه راه و شاخ و برگ‌هایی از گل نیلوفر رایج شد. تزیینات پرندگان خیالی و جانوران به شکل رودوزی با الیاف فلزی بر روی پارچه‌ها به صورت تکراری به کار می‌رفت. گاهی این نقش‌ها به گونه‌ای قرار می‌گرفتند که بیننده احساس حرکت مورب می‌کرد (شکل ۲۳-۱۰).

به طور کلی در این دو سده نقش‌ها در آثار مختلف (پارچه، قلم‌زنی، کتاب‌آرایی، نگارگری و...) به شکل طرح‌های آزاد و گردان، عناصری چون گل نیلوفر آبی، ازدها، سیمرخ، ابرهای پیچان، پرندگان در حال پرواز و حیوانات در حال جست و خیز مشاهده می‌شود.



▲ شکل ۲۳-۱۰ نمونه‌های پارچه و لباس مغولی (برگرفته از آثار نگارگری)

گاه‌نگار درس دهم

دوره میانه (اسلامی)	
سده هفتم و هشتم هجری	سده سیزدهم و چهاردهم میلادی
(۷۰۰-۸۰۰) (۶۰۰-۷۰۰)	
هنرها: معماری، گچ‌بری، آجرکاری، سفالگری، کاشی‌کاری (معرق)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی، بافندگی	
مناطق: سلطانیه زنجان، ورامین، یزد، کرمان، بسطام، نظنز، تخت سلیمان، اصفهان، مراغه، تبریز، شیراز، ری	
سلسله‌ها: اتابکان، ایلخانان، مظفریان، جلاریان	

۱- عناصر (اجزاء) تازه معماری سده‌های هفتم و هشتم هجری را نسبت به دوره قبل بیان کنید.

۲- تزیینات معماری سده هفتم و هشتم هجری چه بود؟

۳- شاخص‌ترین آثار معماری سده هفتم و هشتم هجری را نام ببرید.

۴- آثار غیرمذهبی معماری سده هفتم و هشتم چه بناهایی را شامل می‌شد؟

۵- وضعیت نگارگری سده‌های هفتم و هشتم را بیان کنید.

۶- مکتب نگارگری شیراز چه ویژگی‌هایی داشت؟

۷- وضعیت کتاب‌آرایی سده‌های هفتم و هشتم را شرح دهید.

۸- مراکز مهم سفالگری ایران در سده‌های هفتم و هشتم را نام ببرید.

۹- آثار سفالی سده‌های هفتم و هشتم چه تزییناتی داشته‌اند؟ شرح دهید.

۱۰- طراحی پارچه و بافت آن در سده هفتم و هشتم چه تغییراتی پیدا کرد؟

شرح دهید.

۱۱- جدول زیر را با توجه به محتوای درس با عبارات مناسب کامل کنید :

زمان	شاخص‌ترین آثار معماری سده ۷ و ۸ هجری	ویژگی نگارگری سده ۷ و ۸ هجری	مراکز سفالگری سده ۷ و ۸ هجری
سده ۷ و ۸ هجری		دقت در جزئیات، ترسیم کوه‌های لایه‌لایه، ابرهای پیچان، ترسیم آب به صورت پولک پولک، استفاده از رنگ نقره‌ای	